

در جلسهٔ سیمایی صراف با نمایندگان تشکل ها چه گذشت؟

وزیر برای تشکل ها۱۰ دقیقه وقت داشت

مصرف برق مراکز داده تا سال ۲۰۳۰ به ۴ درصد مصرف برق جهانی می‌رسد

مصرف برق روزانه ChatGPT

معادل شارژ ۴ میلیون موبایل



فرهنگستان



دانشگاه آزاد می‌تواند به «پل ارتباطی» سیاست‌های کلان ملی و نیازهای خرد محلی تبدیل شود

سه‌تغییر برای تبدیل دانشگاه به نهاد جامعه‌ساز



دانشگاه آزاد در ایام ماه مبارک رمضان صحنهٔ اجرای ۱۲ برنامهٔ ویژه شده است

جهادی‌ها با طرح «سی شب، سی مسجد، سی خدمت» به مناطق محروم می‌روند

یک هفته از آغاز ماه مبارک رمضان می‌گذرد و واحدهای مختلف دانشگاه آزاد در اقصی نقاط کشور این روزها میزبان علاقه‌مندان به کلام وحی در قالب ویژه برنامه‌های متعددی هستند که توسط نهاد نمایندگی مقام‌معلم‌رهبری در دانشگاه‌ها طراحی و اجرا می‌شود. ویژه‌برنامه‌هایی که با هدف تعمیق انس جامعه‌دانشگاهی با قرآن، ترویج آموزه‌های دینی و بهره‌گیری حداکثری از فرصت معنوی ماه رمضان علیرضا زارع‌شهرآبادی، مدیرکل تبلیغ و امور دینی نهاد

نمایندگی مقام‌معلم‌رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی، در گفت‌وگو با «فرهنگستان» با اشاره به فعالیت‌های قرآنی و معنوی دانشگاه آزاد اسلامی در ماه مبارک رمضان، گفت: «ماه مبارک رمضان، فرصتی ارزشمند برای تعمیق پیوند معنوی، تدبیر در آیات الهی و انس بیشتر با قرآن کریم است. دانشگاه آزاد اسلامی، با توجه به رسالت فرهنگی و تربیتی خود، در این ماه مبارک برنامه‌های متنوع و گسترده‌ای را برای ترویج فرهنگ قرآنی در میان دانشجویان، اساتید و کارکنان

طراحی کرده است. در این راستا، اداره کل تبلیغ و امور دینی نهاد نمایندگی مقام‌معلم‌رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی، با اجرای برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی، بستری مناسب برای بهره‌گیری از معارف قرآن کریم در فضای دانشگاهی فراهم کرده است.»

مدیرکل تبلیغ و امور دینی نهاد نمایندگی مقام‌معلم‌رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی، با بیان اهمیت برنامه‌های قرآنی در ماه مبارک رمضان، اظهار داشت: «ماه رمضان، بهار قرآن است و ما نیز در دانشگاه آزاد تلاش کرده‌ایم که با طراحی و اجرای برنامه‌های متنوع، زمینه‌انس بیشتر جامعه‌دانشگاهی با کلام وحی را فراهم کنیم. امسال یکی از مهم‌ترین برنامه‌های ما، طرح «رمضان، بهار قرآن» است که به تفسیر سوره زمر اختصاص دارد. این دوره آموزشی به‌صورت برخط و با حضور استادان برجسته قرآنی برگزار می‌شود. در این دوره، مفاهیم کلیدی این سوره از جمله توحید، قیامت، رحمت الهی و اخلاص در عبادت بررسی خواهد شد. وی در ادامه افزود: «برای گسترش فرهنگ قرآنی، برنامه‌های متنوعی را در نظر گرفته‌ایم. یکی از این طرح‌ها، «برگه‌ای از نامه نور» نام دارد که در آن ۳۰ کلیپ تفسیری از ۳۰ جزء قرآن کریم، به‌صورت روزانه منتشر می‌شود. این کلیپ‌ها از طریق فضای مجازی و تابلوهای اطلاع‌رسانی دیجیتال در دانشگاه‌ها در دسترس دانشجویان و استادان قرار می‌گیرد تا بتوانند پیام‌های قرآنی را به‌گونه‌ای جذاب و تأثیرگذار دریافت کنند.»

زارع‌شهرآبادی در خصوص برنامه‌های جزء خوانی و کرسی‌های تلاوت خاطر نشان کرد: «محافل جزءخوانی قرآن کریم هر روز در مساجد دانشگاهی و نمازخانه‌های خوابگاه‌ها برگزار می‌شود. همچنین کرسی‌های تلاوت قرآن با حضور قاریان برجسته کشور در برخی واحدهای دانشگاهی برپا خواهد شد. از سوی دیگر، برای تشویق دانشجویان به ختم قرآن، پویش ختم گروهی قرآن کریم راه‌اندازی شده است که در آن دانشجویان و استادان به‌صورت گروهی به تلاوت و تدبیر در آیات الهی می‌پردازند.»

مدیرکل تبلیغ و امور دینی نهاد نمایندگی مقام‌معلم‌رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی، با اشاره به برنامه‌های شب‌های قدر تصریح کرد: «شب‌های قدر، فرصت ارزشمندی برای تزکیه نفس و تقویت ارتباط با خداوند است. در این شب‌های مبارک، دانشگاه آزاد برنامه‌های متعددی از جمله مراسم احیا، قرأت دعاها و ویژه، سخنرانی‌های معنوی و حلقه‌های تدبیر در دعاها و جوشن کبیر و ابوحمزه ثمالی را برگزار خواهد کرد. همچنین، برای دانشجویان علاقه‌مند، برنامه اعتکاف علمی و معنوی نیز پیش‌بینی شده است.» وی در ادامه گفت: «برای تشویق دانشجویان به انس بیشتر با قرآن کریم، مسابقات مختلفی پیش‌بینی شده است. از جمله مسابقه خاطره‌نویسی



یادداشت

نخبگان علمی و بن‌بست ساختاری در سیاست‌گذاری ایران

این شرایط موجب می‌شود که بسیاری از نخبگان علمی کشور با جذب کشورهای دیگر ششوند، یا به حوزه‌هایی غیر مرتبط با سیاست‌گذاری روی آورند. این روند به‌تدریج موجب کاهش کیفیت تصمیمات کلان و تضعیف ظرفیت‌های داخلی برای حل مشکلات اساسی کشور خواهد شد. آنچه شرایط را پیچیده‌تر می‌کند، عدم وجود یک سازوکار مشخص برای تعامل میان دانشمندان و سیاست‌گذاران است. بسیاری از پژوهشگران فعال در حوزه‌های استراتژیک، به دلیل عدم اعتماد سیاست‌گذاران یا نبود کانال‌های ارتباطی مؤثر، از فرایندهای تصمیم‌گیری کنار گذاشته می‌شوند و تحقیقات آن‌ها در بهترین حالت، صرفاً به شکل گزارش‌هایی بایگانی‌شده باقی می‌ماند.

در برخی کشورها، برای حل این مشکل سازوکارهایی تعریف شده است. به عنوان مثال، در ایالات متحده، دفتر ارزیابی فناوری کنگره (OTA) به‌عنوان یک نهاد مستقل، سیاست‌گذاران را با ارزیابی‌های علمی حمایت می‌کند. در بریتانیا، «دفتر سیاست‌گذاری علمی و فناوری» (GO-Science) در دولت مرکزی نقش مهمی در اطمینان از تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر شواهد ایفا می‌کند. همچنین، در کشورهای پیشروی آسیایی مانند کره جنوبی و سنگاپور، مدل‌های متعطفی ایجاد شده که به سیاست‌گذاران امکان می‌دهد از ظرفیت‌های علمی در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک استفاده کنند و ارتباط نظام‌مندی میان دانشگاه‌ها و نهادهای اجرایی برقرار شود.

در ایران نیز نهادهایی مانند معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری و بنیاد ملی نخبگان تلاش کرده‌اند نقش واسط بین دانشمندان و سیاست‌گذاران را ایفا کنند. اما چالش اصلی همچنان باقی است؛ این نهادها تا چه اندازه توانسته‌اند تغییرات واقعی در فرایند سیاست‌گذاری ایجاد کنند؟ بسیاری از نخبگان معتقدند که این سازمان‌ها بیشتر بر حمایت‌های مالی و پژوهشی متمرکزند تا بر ایجاد یک ارتباط مؤثر و نظام‌مند میان دانش و حکمرانی. به همین دلیل، همچنان نیاز به ایجاد نهادهای مستقل از بروکراسی دولتی، اما متصل به فرایند سیاست‌گذاری، احساس می‌شود.

یکی از راهکارهای پیشنهادی، تأسیس شورای نخبگان سیاستی با اختیارات مشورتی الزام‌آور است که بتواند دولت و مجلس را در تصمیم‌گیری‌های کلان یاری کند. همچنین، تغییر فرهنگ مدیریتی و افزایش شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند مسیر ورود دانشمندان به سیاست‌گذاری را تسهیل کند. علاوه بر این، تدوین قوانین مشخص برای الزام تصمیم‌گیرندگان به استفاده از پژوهش‌های علمی و داده‌های معتبر می‌تواند تأثیر نخبگان علمی بر سیاست‌گذاری را بهبود بخشد. نخبگان علمی ایران در یک وضعیت پارادوکسیکال قرار دارند؛ از یک‌مسو، نظام آموزش عالی بر تولید دانش نظری متمرکز است، اما این دانش همیشه به مهارت‌های عملی و کاربردی منجر نمی‌شود. از سوی دیگر، حتی کسانی که دانش و مهارت‌های لازم را کسب می‌کنند، در ساختار سیاست‌گذاری با موانعی روبه‌رو هستند که امکان اثرگذاری آن‌ها را محدود می‌کند. برای خروج از این بن‌بست، لازم است تغییراتی اساسی در نحوه تعامل دولت با جامعه علمی و اصلاحات نهادی در فرایند سیاست‌گذاری ایجاد شود. تنها از این طریق است که می‌توان از ظرفیت‌های علمی کشور برای حل چالش‌های کلان استفاده کرد و سیاست‌گذاری را از چتره تصمیم‌گیری‌های مقطعی و جناحی خارج ساخت. تا زمانی که دانشمندان و متخصصان در تصمیم‌گیری‌ها جایگاهی حاشیه‌ای داشته باشند، نمی‌توان انتظار داشت که سیاست‌گذاری عمومی بر مبنای داده‌ها و تحلیل‌های علمی صورت گیرد. آینده ایران نیازمند یک بازنگری اساسی در این فرایندها و ایجاد پیوندی عمیق‌تر میان دانش و حکمرانی است.

ابوالفضل احسان‌فر
دانشجوی دکتری حتمشی‌گذاری دانشگاه تهران

در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، نخبگان علمی نقش کلیدی در سیاست‌گذاری عمومی ایفا می‌کنند. اما در ایران، فارغ‌التحصیلان و متخصصان پس از سال‌ها تحصیل و تجربه، با معمای پیچیده‌ای مواجه می‌شوند؛ اگر وارد بخش خصوصی ششوند، باید در چهارچوب منطق بازار فعالیت کنند که لزوماً به حل مسائل کلان کشور کمک نمی‌کند؛ اگر به بخش دولتی بروند، در ساختاری سنگین و بروکراتیک محصور می‌شوند که بیش از آنکه به ایده‌های نو نیاز داشته باشد، به کارمندان مطیع و فرایندهای روزمره وابسته است. در نتیجه، نه سیاست‌گذاری علمی تقویت می‌شود، نه نخبگان در جایگاه اثرگذاری قرار می‌گیرند. مشکل اصلی، ساختاری است که امکان تأثیرگذاری واقعی را از نخبگان علمی سلب می‌کند. سیاست‌گذاری در ایران بیش از آنکه به دانش و تحلیل نیاز داشته باشد، تحت‌تأثیر چانه‌زنی‌های سیاسی، ارتباطات فردی و ملاحظات جناحی است. این وضعیت ریشه‌های تاریخی و فرهنگی دارد. در تاریخ ایران، سنتی از «تصمیم‌گیری متمرکز» وجود داشته که تصمیم‌گیری را در اختیار گروه‌های کوچک و نزدیک به قدرت قرار می‌داده است. حتی در دوران مدرن، ورود نخبگان علمی به حوزه سیاست‌گذاری با موانع فرهنگی و بروکراتیک همراه بوده است. سیاستمداران به دلیل عدم آشنایی با روش‌های علمی یا نگرانی از کاهش کنترل، اغلب ترجیح می‌دهند از دانشمندان به‌عنوان مشاورانی غیرالزام‌آور استفاده کنند تا تصمیم‌سازی واقعی.

یکی دیگر از چالش‌ها، تعدد نهادهای سیاست‌گذار و نبود انسجام در فرایند تصمیم‌گیری است. در ایران، سازمان‌ها و شوراهای مختلفی درباره یک موضوع سیاست‌گذاری می‌کنند، اما هماهنگی میان آن‌ها حداقلی است. این پراکندگی کوچک و نزدیک به قدرت قرار می‌داده است. حتی در دوران مدرن، ورود نخبگان علمی به حوزه سیاست‌گذاری با موانع فرهنگی و بروکراتیک همراه بوده است. سیاستمداران به دلیل عدم آشنایی با روش‌های علمی یا نگرانی از کاهش کنترل، اغلب ترجیح می‌دهند از دانشمندان به‌عنوان مشاورانی غیرالزام‌آور استفاده کنند تا تصمیم‌سازی واقعی.

بن‌بست ساختاری موجود به‌گونه‌ای است که حتی در مواردی که نخبگان علمی به فرایندهای سیاست‌گذاری راه پیدا می‌کنند، نفوذ و تأثیرگذاری آن‌ها محدود باقی می‌ماند به علت آنکه فرایند تصمیم‌گیری در بسیاری از موارد، به‌جای آنکه کاملاً بر اساس شواهد علمی صورت گیرد، تحت‌تأثیر ملاحظات سیاسی و مدیریتی سنتی قرار دارد. سیاست‌گذاری مبتنی بر مصلحت‌های کوتاه‌مدت، نگرانی از پیامدهای سیاسی آنی و تسلط نگاه مدیریتی سنتی باعث شده است که سیاست‌های عمومی در برابر اصلاحات علمی و مبتنی بر شواهد، چالش‌های متعددی را تجربه کنند. این وضعیت موجب می‌شود که برخی نخبگان علمی احساس کنند که مشارکت آن‌ها کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و اثرگذاری آن‌ها محدود است.

از سوی دیگر، حتی زمانی که نخبگان علمی وارد ساختارهای تصمیم‌گیری می‌ششوند، برخی از آن‌ها به‌جای مشارکت فعال در حل مسائل، صرفاً در چهارچوب تفکر خطی و نظری باقی می‌مانند. درحالی‌که حل مسئله در سیاست‌گذاری، نیازمند یک فرایند پویا و رفت‌وبرگشت مداوم با ذی‌نفعان و درنظرگرفتن شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حول آن مسئله است؛ اما ساختارهای سیاست‌گذاری این امکان را نمی‌دهند و فرد را در یک نظام بسته محدود می‌کنند. در نتیجه، بسیاری از نخبگان ناچارند صرفاً نظاره‌گر و امیدوار باشند که شاید در آینده تغییری در مسیر سیاست‌گذاری رخ دهد.